

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محسن رضوانی

۱۹ می ۲۰۲۰

## برای بدیل سوسیالیسم متشکل شویم

در این جهان پر از هرج و مرج و تضاد که خالق اصلی اش انحصارات غول آسای سرمایه و امپریالیسم جهانی است و کل بشریت را به لبه پرتگاه سوق داده است چه باید کرد؟ چگونه باید کلیه نیروهائی را که مخالف این اوضاع و شرایط هستند متشکل و متحد کرد و چون مشتی فشرده به کار برد؟ کارگران که مارکس و انگلس از آنها به عنوان گورکنان سرمایه داری نام می برند و امروز به اکثریت عظیمی در جهان تبدیل شده اند چگونه باید این جنگ تاریخی طبقاتی را به پایان رسانند؟

به نظر می رسد ویروس کرونا نقش بیشتری را داشت که دُمَل نظام سرمایه داری را ترکاند و بوی تعفنش مراکز قدرت سیاسی صاحبان سرمایه را به گند کشید. بار دیگر نشانی قبرستان تاریخی سرمایه را به گورکنانش گوش زد کرد تا برای تغییر جهانی بر لبه پرتگاه، به وظیفه تاریخی شان عمل کنند و لاشه گندیده نظام سرمایه داری را به خاک سپارند. اما برای به سر انجام رساندن چنین وظیفه ای کار بسیار باید کرد:

### یکم - باز هم بیشتر و همه جانبه تر به افشای جنایات سرمایه داری پردازیم

برای تحقق این وظیفه تاریخی پرولتاریا، اساسی ترین گام آگاهی طبقاتی است، آگاهی از نقش سرمایه داری در عصر معاصر، از انحصارات و امپریالیسم در ضدیت با طبقه کارگر. درک این روند تاریخی از مناسبات بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار و تحولات میان این دو از کوچک به بزرگ، از متحد تا دشمن و تا امروز که سرمایه داران دیگر به یک مشت کوچک با ثروت های عظیم تبدیل شده و ماشین جنگی دولتی را در مقابل نود و نه درصد از مردم جهان قرار داده اند. آگاهی به این تاریخ و وضع کنونی، مسأله کلیدی در تعیین دوستان و دشمنان انقلاب سوسیالیستی در کل جنبش کارگری جهان است. این یعنی مسلح شدن به تئوری، به کمونیسیم علمی و مهمتر تلفیق آن با شرایط مشخص ایران. در جهان مادی و در جهانی متریالیسم دیالکتیکی، ماده قبل از ایده است و تغییرات عینی تولید کننده ایده های نوین اند اما اندیشیدن و تجارب را به دست تحلیل دیالکتیکی سپردن و در سطح بالاتری نتیجه به دست آوردن بازگشت تئوری به پراتیک را قدر می نهد. علاوه بر این پراتیک را باید بارها جمع بندی کرد چون با پیشرفت دانش و تکامل شیوه های تفکر و بررسی و تحقیق، همان داده ها نتایج متفاوتی را به دست می دهند. ما دیگر نه عقل ابدی را می پذیریم و نه عقل مطلق را.

فاجعه و ویروس و مشاهده ناتوانی های حکومت های سرمایه داری چه در پیش گیری از آن و چه در مبارزه با آن دنیا را به باز خوانی تاریخ و عملکرد سرمایه داری واداشته است و به این نتیجه واندیشه رسانده که مهر جنایت به کل بشریت را بر پیشانی این مشت کوچک صاحبان ثروت جهان و دولت های نماینده آنها بزنند. اوضاع با عمیق شدن بحران اقتصادی و سقوط همه جانبه بورس ها و مهمتر بیکاری و بیکاری گسترده در کشورهای متروپل، جهان بازم بیشتر به ناتوانی نظام جهانی کنونی سرمایه داری پی خواهد برد و زمینه برای طبقه کارگر و چپ و کمونیست و سوسیالیست برای انقلاب کردن بهتر می شود. باید از این اوضاع مبلغان کمونیست به سود حرکت تاریخی پرولتاریا کمال استفاده را کنند و افکار عمومی را برای اوج گیری جنبشی سراسری و جهانی علیه سرمایه داری آماده سازند. وظیفه اساسی کار تبلیغی کنونی ما رو به توده های وسیع مردم که بزرگترین لطمه را خورده اند، افشای همه جانبه جنایات سرمایه داریست. تا همه جانبه چهره کریه آن را نه در محافل کمونیستی بلکه سرگذرها و توی کارخانه ها، هر جا مقاومت و جنبش علیه حکومت هست، افشاء کنیم.

مارکس از چرک و خونی که از پنجه های سرمایه داران می چکد حرف می زد، انگلس نفرت کارگران از سرمایه داران را جزئی از بیداری طبقه می دانست و با اشاره به زمانی که کارگران زیر فشار کار، ماشین ها را می شکستند یا زمانی که دزدی را از انبار سرمایه دار چون خود تولید کرده بودند، حق خود تلقی می کردند تا زمانی که نفرت به سرمایه دار را پیدا کردند این روند را تغییر به سوی آگاهی یافتن طبقه ارزیابی می کند و آغازی در هدف گیری درست می داند. یکی از اساسی ترین خط های قرمز در مبارزه میان کمونیستها و سوسیال-دمکراتها و رویزیونیست ها در این نکته نهفته شده است. بر اثر وجود گرایش های رفرمیستی در جنبش کارگری و رشد تجدید نظر طلبی در جنبش کمونیستی انقلاب کردن از دستور کار اکثر جنبش های کارگری و سازمان های کارگری برداشته شده است. سوسیالیست های انقلابی ایران که نقش تعیین کننده طبقه کارگر را در انقلاب کنونی دخیل می دانند باید امروز عمیق و همه جانبه جنایات نظام سرمایه داری و سرمایه داران را تشریح کنند. بی کفایتی و دروغ و تزویر نمایندگان بورژوازی حاکم را به کارگران بشناسانند و در مبارزه ایدئولوژیک باتوجه به اوضاع مشخص کنونی در دفاع از اصول و رد نظرات رویزیونیستی کوشا باشند.

در زمینه جنایات نظام سرمایه داری تشریح عملکرد نظام سرمایه داری اسلامی ایران در این چهار دهه سلطه سیاسی دارودسته خمینی و خیانت سرمایه داران به کارگران و قاطبه فرودستان کار را آسان کرده است. مردمی در وسعت میلیونی علیه نظام پادشاهی پهلوی بر می خیزند و خواهان آزادی و عدالت اجتماعی اند. دارودسته ای از فدائیان اسلام که با شیوه های ترور در پس از شهریور [سنبله] بیست که جنبش کمونیستی و کارگری به شکرانه پیروزی علیه فاشیسم، به طور بی سابقه ای رشد و گسترش یافته بود، به جانی نرسیده بودند، خمینی خدعه گر را جلو انداختند. او با خدعه و دروغ و جلب محافل امپریالیستی، به مجرد کسب قدرت سیاسی به مردم خیانت کرد و به قتل عام کمونیستها پرداخت. کارنامه چهل ساله این سرمایه داری لجام گسیخته نئولیبرالیستی اسلامی امروز برای اکثریت مردم جز مثنی کوچک که بر تخت قدرت لم داده اند، باز است. خیانت خمینی و دارودسته اش به عنوان نماینده سیاسی سرمایه داری ایران منتها در پوشش اسلامی و با شمشیر ذوالفقار علی به مردمی که گول این شیاد سیاسی را خوردند، هیچ گاه فراموش نخواهد شد و در حافظه تاریخ همچون هجوم مغول به ایران در سرکوب مردمان این سرزمین باقی خواهد ماند.

اما عمر سرمایه داری جهانی بیش از چهار دهه اخیر ایران است. بگذارید نگاهی به رشد و تکامل و گنبدگی سرمایه داری در جهان بیندازیم. در آغاز سرمایه داران، کارگران را با بیش از دوازده ساعت کار، بدون تأمین اجتماعی تنها با مزدی برای ادامه زندگی اجیر می کردند. جنایاتی که باید نامش را بربریت سرمایه داری نامید. تنها با مبارزه طولانی

وکشته دادن ها بود که اولین بار در سال ۱۸۸۶ در شیکاگو، طبقه کارگر توانست در میزان وسیع و در اتحادی سراسری از کارگران منطقه، تظاهراتی برای ۸ ساعت کار سازمان دهند. همان تظاهراتی که اول ماه مه را به روز همبستگی جهانی کارگران به یادگار گذاشت. سرمایه داری بنا بر طبیعت کسب سود بیشتر، گرایش دیوانه وار به گسترش و تسخیر باز هم بیشتر بازارها همچنان به جنایاتش در استثمار شدیدتر کارگران و ستم همه جانبه تر به توده ها و ملت ها ادامه داد. با ایجاد انحصارات و حاد شدن تضادهای آنها برای تقسیم مجدد جهان طبق اوضاع تغییر یافته، قدرت ها به دوران امپریالیستی رسید که لنین بدرستی آن را مرحله گندیگی سرمایه داری می نامد. در دورانی که در پرونده اش دو جنگ جهانی و به کار بردن بمب اتم توسط آمریکا در هیروشیما و ناگازاکی را دارد

من در دربه دری های طولانی و متعدد فرصتی داشتم تا اندازه ای از نزدیک با وضع طبقه کارگر کشور های متعدد در جهان آشنا شوم. انگلستان اولین کشوری بود بعد از خروج از ایران پا گذاشتم. در شش سالی که اجازه دادند در آنجا بمانم، ضمن درس خواندن و فعالیت دانشجویی و سیاسی مجبور بودم کارکنم این کارکردن مدرسه اصلی تربیت من در آن زمان شد. کارگری ساده از تمیز کردن دیواره های سیمانی استخر های ثروت مندان گرفته تا میوه چینی فصلی در باغات مکانیزه شده انحصارات، از بستنی فروشی دوره گردی با یک چرخ دستی تا کار در رستوران. در این تجربه شش ساله بود که تازه چشم دل بیمار خرده بورژوائی ام به سوی حقایق درون واقعیت ها باز شد و سرمایه داران را از زاویه کارگران شناختم و به احساسات نفرت انگیز آنها نسبت به سرمایه داری و رسانه هاییشان پی بردم. یک سال زندگی در پانسیون که دوازده کارگر از نقاط مختلف بریتانیا برای کار به ساری منطقه ای در حومه لندن آمده بودند و هر روز و شب در فرصت هائی با علاقه به سخنان صاف و صادقانه کارگران گوش دادن که از سختی ها و مشکلات خود و خانواده ها حرف می زدند، تصورات و توهماتم در برابر واقعیات دگرگون شد. تازه فراموش نشود این حرف های کارگران از وضع نیمه دوم قرن بیستم است یعنی بیش از صد سال از زمانی که چارلز دیکنز در داستان هایش از وضع خانواده های کارگری نوشته بود و وضع کارگران را برای به رحم آوردن دل سرمایه داران بیان می کرد. همانا طور است از زمانی که فردریش انگلس خالق مشترک مانیفست حزب کمونیست در باره "وضع کارگران انگلیس" به کار تحقیقی پرداخته و کتاب خود را انتشار داده بود. از کوزه همان تراود که در اوست، پس از صد سال همچنان از پنجه های سرمایه داری چرک و خون می چکد و کارگران انگلیس با آگاهی بیشتری از نظام حاکم نا راضی بودند. پس از آن به هر کجای دیگر که رفتم الجزیره، آلمان، فرانسه... آسمان را همان رنگ دیدم. در چین و کوبا فرصتی باز هم مناسبتر به دست آمد همه جانبه تر، از گذشته فلاکت بار کارگران و زحمتکشان این کشورها از زبان کارگران و دهقانان بشنوم و باز هم بیشتر به عمق فاجعه عظیم بشریت پی بردم و دریافتم چرا در این کشورها مبارزه کردند و پیروز شدند. شناخت از عملکرد سرمایه داران کاری که مارکس سی سال از زندگی زیبای خود را برای آن گذاشت انسان را حتی اگر از طبقات غیر کارگری باشی به آدمی برای تغییر تبدیل می کند. پس از آن تبدیل شدن به یک فعال کمونیست در خدمت سازماندهی انقلابی در افغانستان، عراق به ویژه کردستان عراق، کار طولانی در میان کارگران مهاجر ایرانی در خلیج فارس و سپس انقلاب ۵۷ و استفاده از مدتی کوتاه آزادی، شرکت در حوزه های کارگری کمونیستی و پای حرف های رفقای کارگر نشستن، سازماندهی یک تحقیق و بررسی همه جانبه بر اساس علمی صد سؤالی توسط تشکیلات سراسری حزب رنجبران ایران در احوال کار و زندگی کارگران و دهقانان همه صحت اصولی را که مارکس و انگلس در مورد سرمایه داری پایه ریختند تأیید کردند. علت اساسی شکست ما و به طور کلی در پس از انقلاب ۵۷ کل جنبش چپ از همینجا بر می خاست که مرزدوست و دشمن طبقاتی را درست تشخیص ندادیم و نسبت به بورژوازی تازه به قدرت رسیده دچار توهمات شدیم.

## دوم - جنایات سرمایه داری در تاریخ بی همتاست

بر اساس عملکرد این چند قرن سرمایه داری می توان با اطمینان گفت که هیچ طبقه ای در گذشته چنان جنایات گسترده ای را در این مدت کوتاه مرتکب نشده است. ضمن قبول این واقعیت که سرمایه داری حرکتی تاریخی از قلمرو جبر و نیازمندی به قلمرو آزادی و بی نیازی مادی است و پیشرفت در تاریخ جوامع بشری موجب شده ولی نظامی است که موتور نابودی بشریت را در دل خود دارد. زنده ماندنش در تعرض، توسعه و تسخیر و تمرکز ثروت در دست مشتکی کوچک، جنگ و چپاول دائمی طبیعت است. این موتور سرمایه داری نهادینه است و ایستش عدمش است. همانطور که این روزها ترسش برداشته و شتابان در پی راه انداختن چرخ هایش هست. نا ایستاست و رانندگان و اداره کنندگان این موتور آگا هانه در این سیصد سال آن را در خدمت خود به کار گرفته اند.

## سوم - هراس از طبقه کارگر و سرکوب جنبش سوسیالیستی و کمونیستی

تاریخ سرمایه داری در میزان اجتماعی تاریخ هراس از طبقه کارگر این نیروی اصلی و تعیین کننده تولید، انباشت سرمایه و گرداننده چرخ کلیه سرویس های خدمات اجتماعی بوده است. هر جا این طبقه خواستی داشته با سد بزرگ نیروهای زورگو و سرکوب گر سرمایه روبه روده شده است، هر گاه و هر جا احزاب سیاسی طرفدار طبقه کارگر اقدامی برای تغییر ریشه نی جوامع پیشنهاد کرده اند با مخالفت سرمایه داران روبه رو شدند و با تمامی قدرت حا کمه از پیشروی آنها جلو گرفتند. در ایران کتاب های علمی طرفداری از طبقه کارگر را اوراق ضاله نامیدند و مطالعه آنها را غیر قانونی کردند و مجازات سنگین برای دارندگان این نوع کتاب ها بریدند. اینجا دیگر تنها سرمایه دار داخلی نبود بلکه دست نامرئی دستگاه های امنیتی انگلیس و سپس امریکا و اسرائیل در کار بود. در میدان مبارزه ایدئولوژیک پس از پیروزی بلشویک ها در روسیه و استقرار جمهوری های سوسیالیستی در همسایگی ایران پرچم شونیسیم و ناسیونالیسم تنگ نظرانه را همراه با اسلام در برابر شعار کارگران جهان متحد شوید قرار دادند.

هیچ گاه در تاریخ بشر آنقدر زندان و زندانی، آنقدر سلاح های جنگی تا حد هسته ای و کیمیایی نبوده است. افریقا را به ویرانی کامل کشاندند، انسان های آزاده را شکار کردند، برده کردند و از ۲۳ میلیون ده میلیون را چون مقاومت می کردند به ابچار ریختند و برای قرن ها نسل اندر نسل آنها را به کار مجانی در مزارع گماردند. با این که بر اثر قیام های خونین بردگان و مبارزه دائمی کارگران در سراسر جهان امروز هم همچنان میلیاردها کارگر و کودکان در خط زیر فقر به کار مشغولند و همچنان در وضع اسفناکی زندگی می کنند.

ترس سرمایه داران از طبقه کارگر و فرودستان تا آنجاست که هر بار و هر زمان که خطر را حس کرده اند، رقابت ها را میان خود کنار گذاشته و علیه قیام کارگران و انقلابات کارگری متحد شده اند. اروپای متمدن زیر فرمان سرمایه به دیو مخوف سرکوبگر تبدیل می شود. سربازان پروس و فرانسه که در حال جنگ باهم هستند هنگامی که کارگران پاریس قیام می کنند و کمون پاریس را به شیوه شورائی به دست می گیرند هر دو قدرت رقیب، متحدانه و دست در دست هم آن را و حشیانه و جنایتکارانه سرکوب می کنند. در روسیه پس از پیروزی کمونیستها نیروهای امپریالیستی مستقیم برای سرنگونی قدرت سیاسی شوراها وارد جنگ شدند. از هم اکنون حاکمان سرمایه داری برای مقابله با خیزش کارگری پس از کرونا خود را آماده می کنند.

## چهارم - مبارزه طبقه کارگر برای دنیای نوین از مسیر سخت و بی غرنجی گذشته است

جهان در سر دوراهی است. سرمایه داری با تمام جنایاتی که مرتکب شده است و ما در بالا اشاره ای به آنها کردیم با تمام ناتوانی هایش در مبارزه علیه ویروس کرونا با تمام تضاد های حاد موجود میان صاحبان آن، با تمام تعفن و گندیدگی اش که در پی سود بیشتر کره زمین و محیط زیست آن را به غیر قابل زیست انسان تبدیل کرده است؛ اما به آسانی به بدیل سوسیالیسم تن نداده و باز هم نخواهد داد. تمام تلاش های گوناگون دولت ها در مبارزه علیه ویروس کرونا با دید حفظ نظام و هرچه سریعتر بازگشت به جای اول است. در همین چند ماهه در عین حالی که خرافات جای خود را تا اندازه ای به بحث های علمی داد، با این که برای مردم ناتوانی دولت های سرمایه داری در خدمت به مردم به ویژه فرودستان جامعه در میزان وسیعی بر ملا شد اما با خواباندن چرخ اقتصاد و بالا رفتن آهنگ بیکاری و خطر یک رکود عمیق اقتصادی ماشین ایجاد ترس سرمایه در میان کارگران و زحمتکشان به کار افتاده است. سرمایه داری تنها بازندان و شکنجه و نیروهای سرکوبگرش نیست که کارگران را به ترس از خود و حاکمیت می کشاند بلکه ایجاد ترس در میان کارگران از طریق بیکار کردن آنها همیشه به طور مؤثری به کار گرفته می شود. ما امروز شاهد دستگاه های بزرگ تبلیغی هستیم که بدون سانسور دم از "چرخ های اقتصادی می خوابد" و "بیکاری دامن گیر همگان خواهد شد"، می زنند. بی خود نیست کسانی چون ترمپ و روحانی طوری جلوه می دهند که طرفدار بازکردن اقتصاد هستند. چون ترس از بیکاری توده را به طرفداری از آنها سوق خواهد داد و با تمام نفرت شان از ترمپ و روحانی ها تن به سیاست هایشان می دهند. درست همین وضع است که خطر رشد گرایش فاشیستی در جهان زیاد خواهد شد. درست با توجه به این اوضاع است که وظیفه کمونیست ها و نیروهای آزادی خواه و مترقی در جهان آسان نیست.

### **پنجم – بدیل طبقه کارگر سوسیالیسم است !**

در ایران اوضاع چگونه پیش خواهد رفت و پاسخ ما به پرسشی که در آغاز طرح کردیم چیست ؟ ما قدم به قدم نکاتی را مطرح کردیم که سرمایه داری جنایت کرده و همچنان با پیروی از اصل مسلط بر این نظام یعنی دنبال سود بیشتر از طریق استثمار انسان، جامعه بشریت را به لبه پرتگاه نابودی کشانده است. ما نشان دادیم سرمایه داری و احزاب و سازمان های نماینده آن هدف اصلی شان حفظ نظام بردگی موجود و سرکوب دائمی طبقه کارگر و احزاب و سازمان های طرفدار آن است. مانشان دادیم اینکار را تنها با به کار بردن قهر عریان نمی کند، بلکه با ایجاد ترس با ابزارهای دیگر اجتماعی توده ها را از دست زدن به انقلاب باز می دارد. ما در جمع بندی از تاریخ مبارزات طولانی طبقه کارگر نقش رویونیست ها و اپورتونیسم را در مبارزه صد ساله طبقه کارگر ایران یاد آور شدیم. نتیجه این که همچنان مسیر سخت و پر پیچ و خمی را باید هنوز طی کنیم.

بنابر این پاسخ ما به عنوان یک گردان انقلابی پرولتری اینست که برای تغییر بزرگ یعنی براندازی ریشه فساد کارکنیم و بی پرده و آشکارا حقایق را برای کارگران و توده های مردم روشن کنیم. در این زمینه هیچ گونه پرده پوشی جایز نیست. کمونیسم علمی و مبارزه پرولتاریای جهانی و تجربه صد ساله طبقه کارگر ایران به ما در پاسخ به پرسش بالا چنین می گوید :

یکم- باید برای انقلاب کردن و قادر شدن به مصاف پیروزمندانه با دشمنان طبقه کارگر دارای حزب انقلابی، حزبی مسلح به تئوری علمی و با برنامه سوسیالیستی پیشرو طبقه کارگر بود. شرایط برای ایجاد چنین حزبی هر روز بهتر می شود از یکسو احزاب و سازمان های موجود که خود را طرفدار طبقه کارگر می دانند و برنامه انقلاب سوسیالیستی را با توجه به وضع مشخص جامعه ایران درست می دانند بر اثر قدرت گیری خود جنبش کارگری در ایران و رشد

کیفی و کمی پیشروان کارگری و ضرورت میرم داشتن یک ستاد واحد کمونیستی باید گرایش یکی شدن را هر چه بیشتر تقویت کنیم و بر اساس اصول و برنامه یکی شویم.

دوم – چنین حزبی بدون داشتن یک تشکیلات سراسری کارگری که در برگیرنده واحدهای بزرگ و متمرکز کارگری حداقل بالای صد شهرک صنعتی کارگری باشد نمی تواند در برابر قدرت مسلح حاکم نقش سیاسی خود را بازی کند. بنابراین برای تحقق وظیفه اول باید آن را با وظیفه سازماندهی کارگران پیوند داد. روابط این دو باهم مثل ماهی و آب است. بدون یک جنبش سراسری کارگری یک حزب توانا و سراسری کمونیست هم نمی تواند در برابر سرکوب خشن ضد کمونیستی رژیم دوام بیاورد.

سوم – هم اکنون بزرگترین جنبش های توده ئی در ایران در حال شکل گیری هستند. همانطور که در این سالها شاهد بودید بدون خبر قبلی بر می خیزند و با سمت گیری مبارزه علیه قدرت حاکم به میدان می آیند. متأسفانه هر بار که به میدان آمده اند در شرایطی که تشکیلات پیشرو کمونیستی که ریشه در میان طبقه کارگر داشته باشد و توده ها به آنها با تجربه خود اطمینان داشته باشند موجود نبوده است. پس وظیفه دیگر رفع این کمبود است. این جنبش ها هستند که در آخرین آن پنج هزار کشته دادند، بیش از ده هزار نفرزدانی و در جریان مصاف با نیروهای سرکوب گر به کمونیستها پیام می دادند اینهمه توده می کنید ما از جان گذشته در میدان های نبردیم شما ها کجائید؟ برای پاسخ مثبت به این خواست عمومی جنبش های توده ئی باید ظرفی که بتواند در برگیرنده عظیم ترین نیروهای توده ئی همان کسانی که در جنبش آبان [عقرب] ۹۸ بودند و حتی وسیعتر از آنها باشد. ایجاد ظرفی به پهنای سراسر ایران و با پوشش دادن به کلیه جنبش ها و نهاد های ضد نظام جمهوری اسلامی که هم اکنون بصورت پراکنده موجودند یکی از ملزومات برای تحقق دو وظیفه بالاست؛ چون موجودند، چندین بار بر خاستند و بی شک در پسا کرونا فعالتر به میدان خواهند آمد.

این سه سلاح اساسی انقلاب کردن در اوضاع کنونی است که کمونیست ها باید محکم در دست بگیرند و هر سه را برای تحقق خط مشی سیاسی عمومی کنونی طبقه کارگر بکارگیرند.

این خط مشی عبارت از بسیج و متشکل کردن و وسیعترین مردم فرودست که در برگیرنده کل جنبش و تشکل های توده ئی ضد نظام حاکم برای براندازی ریشه ئی و رادیکال نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی است.

چنین است بدیل کارگری و تنها چنین بدیلی است که کارگران و زحمتکشان ایران را نجات خواهد داد، رژیم حاکم را بر می اندازد و نظامی نوین به دست اکثریت عظیم توده ها و در خدمت اکثریت عظیم توده ها فراهم می سازد. چنین است انقلاب سوسیالیستی ایران که ویژگی هایش بر سنگ خارای شرایط تاریخی و وضع مشخص سرمایه داری ایران حک شده است.